

## فصل دوم:

### ترکیب «شورا»

#### □ گروه‌ها و افراد

«از مرداد تا دی ماه ۶۰ سازمان‌ها و افراد منفرد زیر، به شورای ملی مقاومت پیوستند:

سازمان‌های عضو: ۱- سازمان مجاهدین خلق ایران ۲- حزب دمکرات کردستان ایران ۳- شورای متحد چپ برای دمکراسی و استقلال به نمایندگی مهدی خانبابا تهرانی ۴- جبهه دمکراتیک ملی ایران به نمایندگی هدایت‌الله متین دفتری و بهمن نیرومند ۵- جنبش دمکراتیک انقلابی زحمتکشان (گیلان و مازندران) به نمایندگی حسن ماسالی ۶- حزب کار ایران به نمایندگی حمیدرضا چیتگر ۷- سازمان اتحاد برای آزادی کار به نمایندگی مرتضی محیط ۸- استادان متعهد دانشگاه‌ها و مدارس عالی کشور به نمایندگی محمدعلی شیخی ۹- جمعیت دفاع از دمکراسی و استقلال ایران (داد) به نمایندگی جلال گنجه‌ای ۱۰- کانون توحیدی اصناف به نمایندگی ابراهیم مازندرانی.

اشخاص عضو: ۱- ابوالحسن بنی‌صدر ۲- ناصر پاکدامن ۳- کاظم باقرزاده ۴- منوچهر هزارخانی ۵- اصغر ادیبی ۶- یک نفر که به دلایل امنیتی نامش ذکر نگردید.»<sup>۱</sup>

بعدها اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران) و چریک‌های فدایی خلق (پیرو برنامه هویت) در سال ۶۱ و ۶۳ به شورا پیوستند در حالی که چند گروه دیگر در همان سال‌ها از شورا خارج شدند. دکتر

---

۱. راستگو، مجاهدین خلق در آیینۀ تاریخ: ص ۳۱۴.

علی اصغر حاج سیدجوادی در مورد گروه‌های عضو شورا می‌گوید:  
باید به این واقعیت اشاره کرد که به طور مسلم به جز حزب دمکرات کردستان و سازمان مجاهدین خلق، یک یا دو سه سازمان دیگری که در اعلامیه‌های خود شورای ملی مقاومت از آنها نام برده می‌شد، سازمان‌هایی ساختگی بودند که نه دارای تشکیلات بودند و نه دارای نفرت و اعضا. این گونه سازمان‌ها در واقع وجود خارجی نداشتند و فقط به قصد شورایی جلوه دادن هر چه بیشتر رانده‌های کنار سازمان مجاهدین ایجاد شده بودند. مثلاً همین جبهه دمکراتیک...<sup>۱</sup>

#### □ سازمان مجاهدین خلق ایران

در واقع «شورای ملی مقاومت» سکو و مسندی بود برای کسب اعتبار در غرب و اعمال هژمونی سازمان بر دیگر گروه‌ها و جریان‌های ضد جمهوری اسلامی. این سازمان و - به طور اخص - شخص رجوی، در واقع برای هضم و حذف سایر رقبای احتمالی و آلترناتیو شدن آن در نظر غربی‌ها، کنترل کامل اداره تشکیلاتی ش.م.م را در دست داشت.  
شورا برای رجوی کلید ورود به خارج از کشور بود. زمانی هم که پای رجوی در غرب سفت شد، آن را به بخش سیاسی سازمان مجاهدینش تبدیل کرد.<sup>۲</sup>

#### □ جبهه دموکراتیک ملی ایران

این گروه، که پس از پیروزی انقلاب اسلامی توسط دکتر هدایت‌الله متین دفتری و چند تن دیگر از جمله شکرالله پاک‌نژاد تشکیل شد، از گروه‌هایی است که در زمان تأسیس شورا، به تعبیر حاج سیدجوادی، «سازمان‌هایی ساختگی بودند»؛ و در واقع جبهه دموکراتیک «اسمی بود بی‌مسما و یا قالبی بود بدون محتوا».<sup>۳</sup>

متین دفتری با قرار دادن عنوان «جبهه دموکراتیک ملی»، در نظر داشت چپ‌گرایان جریان ملی‌گرایی را که مایل به همکاری با جبهه ملی نبودند، جذب کند و با همراه کردن سایر گروه‌های چپ، جایگزین آنها

۱. فراز و فرود شورای...: ص ۶۶.

۲. راستگو، مجاهدین خلق در آینه تاریخ: ص ۳۱۱.

۳. نشریه پیوند، ش ۳ - ویژه‌نامه: ص ۱۳؛ از مقاله علی اصغر حاج سیدجوادی.

باشد. این اقدام متین دفتری در بدو شکل‌گیری با سر و صدای بسیار همراه بود. در این جبهه، «اتحاد چپ» متشکل از سه دسته مارکسیستی گروه کارگر، وحدت کمونیستی و تحریریه نشریه چپ، در کنار جمعیت اتحاد برای آزادی و استقلال، جامعه سوسیالیست‌های نهضت ملی، جبهه آزادی مردم ایران، انجمن‌رهایی زنان و اتحادیه ملی دانشجویان و دانش‌آموزان حضور داشتند. گروه‌های مزبور در اسفند ۵۷ چیزی بیش از محفل‌های کوچک چند نفره نبودند و عناوین تشکیلاتی آنها صرفاً کاربرد تبلیغاتی داشت. تنی چند از افرادی که با گروه‌های متبوع خود یا شخصاً عضو جبهه بودند عبارتند از: حمید شوکت، کریم قصیم، بهمن نیرومند، مهدی خانابا تهرانی، نجف دریابندری، ناصر پاکدامن، غلامحسین ساعدی، منوچهر هزارخانی، هما ناطق و صارم صادق‌وزیری.<sup>۱</sup> جبهه مزبور که با عاملیت هزارخانی و پاک‌نژاد عمدتاً در اختیار سازمان قرار گرفته بود،<sup>۲</sup> و دچار اختلافات و دسته‌بندی‌های درونی نیز گشته بود، با اعلام فاز نظامی، عملاً متلاشی شد و خود متین دفتری و بسیاری از تشکیل‌دهندگان آن نیز به خارج گریختند و برخی از آنان به عضویت «شورای ملی مقاومت» درآمدند. از دو نماینده «جبهه» در شورا، بهمن نیرومند در مهر ۶۴ جدایی خود و گروه متبوعش را اعلام کرد؛ اما متین دفتری با عنوان نمایندگی این گروه به مدت ۱۶ سال در شورا باقی ماند. و بالاخره در مرداد ۷۷ از آن خارج شد. تفصیل وضعیت وی به هنگام پیوستن به شورا، در ادامه همین فصل و ماجرای اخیر متین دفتری در قبال سازمان و شورا، در گفتار دیگر آمده است.

#### □ حزب دموکرات کردستان

از جمله حرکت‌هایی که با تکیه به قدرت نظامی - سیاسی روسیه شوروی در کردستان شکل گرفت جریانی بود که بنای آن را قاضی محمد در ۲۵ مرداد ماه ۱۳۲۴ در شهر مهاباد، نهاد و به پیشنهاد دولت شوروی با نام «حزب دموکرات کردستان»، به عنوان تشکیلات جدایی‌طلب‌گرد، رسمیت یافت.<sup>۳</sup> حزب توده نیز در سال‌های ۳۱ - ۱۳۳۰ «کمیته ایرانی کرد» (کاک) را در کردستان تشکیل داد؛ عده‌ای در سال ۱۳۳۵ از «کاک» انشعب کردند و هسته‌هایی را به گرداندگی عبدالله اسحاق (احمد توفیق) و

۱. شوکت، نگاهی از درون...، ج ۱: صص ۴۰۸-۴۰۹. راستگو، مجاهدین خلق در آیین تاریخ: ص ۳۰۹.

۲. شوکت، همان، ج ۲: ص ۴۳۳.

۳. کردستان و گروه‌ها، ج ۱: ص ۲۴.

عبدالرحمان قاسملو تشکیل دادند. قاسملو در سال ۱۳۳۹، ضمن تماس با «حزب دموکرات کردستان عراق»، مجدداً «حزب دموکرات کردستان ایران» را فعال نمود. از سال ۱۳۴۵ تا سال ۱۳۴۷، برخی از عناصر حزب حرکتی مسلحانه را در کردستان تدارک دیدند که سرکوب شد.<sup>۱</sup>

حزب از آن تاریخ تا پیروزی انقلاب اسلامی، فعالیت چشمگیری نداشت. در آستانه پیروزی انقلاب اسلامی، عبدالرحمان قاسملو به کردستان بازگشت و تشکیلات حزب را علنی کرد. فعالیت حزب دموکرات، از آنجا که جدایی طلبانه و با پوشش «خودمختاری» در جهت براندازی نظام جمهوری اسلامی بود، در مرداد ماه ۱۳۵۸ رسماً ممنوع اعلام گردید.

بنا به اظهار رسمی حزب دموکرات، «در دی ماه ۱۳۵۹، در ملاقاتی میان نمایندگان سازمان مجاهدین و حزب، بر روی هدف‌های مشترک تشکیل جبهه توافق به عمل آمد».<sup>۲</sup>

حزب در خصوص همکاری با سازمان، در نشریه خود نوشته است:

در مدت سه سال گذشته، که همکاری ما با سازمان مجاهدین خلق ادامه داشته است، یکدیگر را بهتر شناخته و با اهداف و شیوه کار همدیگر آشنایی بیشتر پیدا کرده‌ایم. به عقیده ما حزب دموکرات و سازمان مجاهدین، در مورد سرنگون ساختن رژیم و بر سر کار آوردن یک رژیم دموکراتیک... تأمین خودمختاری برای کردستان و بسیاری مسائل دیگر، نظرات مشترک دارند و به همین جهت نیز همکاری و هم‌پیمانی در میان این دو سازمان انقلابی باید همچنان ادامه داشته باشد.<sup>۳</sup>

... هم‌اکنون سازمان مجاهدین خلق بزرگترین سازمان سیاسی و سرتاسری کشور به حساب می‌آید. در شورای ملی مقاومت، این سازمان و حزب دموکرات - به عنوان دو ستون اصلی شورا - مورد قبول قرار گرفته‌اند.<sup>۴</sup>

از میان همه گروه‌ها در کردستان، دو حزب دموکرات و کومله به جهت سوابق و تأثیرگذاری، عمده‌تر بودند. اما به لحاظ تشکیلاتی و اجتماعی، با یکدیگر تفاوت داشتند و در پاره‌ای موارد، دشمنان خونی

۱. همان: صص ۲۵ - ۳۶.

۲. نشریه کردستان، ش ۱۱۴: ص ۲.

۳. همان، ش ۹۳: ص ۲۲.

۴. همان، ش ۸۸: ص ۱۱.

یکدیگر بودند تا آنجا که (تا سال ۶۵) بر اثر درگیری آنها حدود ۸۰۰ نفر از طرفین کشته شده‌اند. با وجود اختلافات ریشه‌ای و تفاوت‌های کمی و کیفی که احزاب دموکرات و کومله با یکدیگر داشتند، در موارد زیر مشترک بودند:

(۱) از سال ۱۳۶۰ به بعد، پایگاه‌های اصلی دو حزب در کردستان عراق مستقر بود.<sup>۱</sup>  
(۲) تاکتیک‌های عملیاتی هر دو حزب علیه نیروهای جمهوری اسلامی، محورهای مشترک داشت که عمدتاً بدین قرار است:

- کاشتن مین در سر راه پایگاه‌های نیروهای نظامی، انتظامی و امنیتی؛<sup>۲</sup>
  - اجرای کمین در بعدازظهرها، بر سر راه تردد نیروهای نظامی و انتظامی؛<sup>۳</sup>
  - حمله شبانه به پایگاه‌های نیروهای انتظامی و نظامی؛<sup>۴</sup>
  - حمله به تأسیسات دولتی در اوقات بعدازظهر و شب، در شهرها و روستاها؛<sup>۵</sup>
  - نفوذ پیشمرگه‌های دو حزب به شهرها و درگیر شدن با نیروهای امنیت شهری.<sup>۶</sup>
- در طول سال‌های گذشته احزاب مزبور اغلب نیروهای داخل خود را به دو طریق از دست داده‌اند: کشته و دستگیر شدن توسط نیروهای نظامی جمهوری اسلامی، و تسلیم شدن و تقاضای «امان‌نامه» کردن.

دولت بعثی عراق از احزاب دموکرات و کومله حمایت می‌کرد و بدان‌ها فرصت داد که:

- مرکزیت سیاسی و نظامی در خاک کردستان عراق مستقر نمایند؛
- کادرهای خود را در کردستان عراق آموزش و سازمان دهند؛
- اسلحه، مهمات و امکانات مالی دریافت کنند؛
- ایستگاه رادیویی داشته باشند؛

---

۱. منطقه پایگاه‌های مزبور در منطقه گلاله در خاک عراق و نزدیک مرز سردشت قرار داشت. (جلایی‌پور، کردستان...: ص ۱۱۲).

۲. جلایی‌پور، همان: صص ۱۱۲-۱۱۳.

۳. همان: ص ۱۱۳.

۴. همان: صص ۱۱۳-۱۱۴.

۵. همان: صص ۱۱۴.

۶. همان: صص ۱۱۴-۱۱۵.

- زخمی‌های خود از درگیری‌های کردستان ایران را در داخل عراق درمان نمایند؛

- از امکانات تبلیغی دولت عراق، مانند رادیو عراق سود جویند؛

- کادر مرکزی و سایر عناصر سیاسی آنها از امکانات دولت عراق برای سفر به اروپا استفاده کنند.<sup>۱</sup>

عبدالرحمان قاسملو، دبیرکل حزب دموکرات کردستان، در تاریخ ۲۹ مرداد ۱۳۶۵، در جواب به این

پرسش خبرنگار بی.بی.سی که «رابطه شما با رژیم عراق چطور است؟» اظهار داشت:

رابطه ما با دولت عراق بسیار روشن است؛ ما الآن علیه دشمن مشترک می‌جنگیم.<sup>۲</sup>

در تاریخ ۲۸ مرداد ۱۳۶۵ نیز خبرنگار بی.بی.سی از عمر ایلخانی‌زاده، یکی از سران کومله، درباره

مقر حزب کومله و همکاری این حزب با عراق سؤال کرد و وی چنین پاسخ داد:

رادیو و مقر رهبری ما در حال حاضر در کردستان عراق می‌باشد. ما از دولت عراق کمک

دریافت می‌کنیم و اسلحه می‌گیریم.<sup>۳</sup>

یکی از پژوهشگران مسائل کردستان که از کتاب وی در این تحلیل استفاده شده، می‌نویسد:

برای نویسنده همیشه این سؤال مطرح بوده است که چرا در کردستان، قبل از پیروزی انقلاب

اسلامی که تمام ایران در انقلاب بود، حزب دموکرات و کومله حرکتی در جهت انقلاب

اسلامی مردم ایران نداشتند؛ اما از فردای پیروزی انقلاب اسلامی و فروپاشی رژیم شاه، ناگهان

کردستان ایران منفجر می‌شود و مسئله کردستان به شکل بحرانی‌حاد در آن جریان پیدا می‌کند.<sup>۴</sup>

به هنگام شکل‌گیری شورای ملی مقاومت، حزب دموکرات کردستان در کنار سازمان مجاهدین خلق و

رییس‌جمهور معزول، اضلاع مثلث اصلی شورا را تکمیل نمود و امکانات خود در عراق و نقاط مرزی

کردستان را، تا جدایی از شورا در سال ۶۴ کاملاً در خدمت سازمان قرار داد.

## □ حزب کار ایران (جناح چپ)

چنانکه در جلد نخست بیان شد، در سال ۱۳۴۵ در کمیته مرکزی حزب توده در آلمان شرقی اختلاف

نظر پیدا شد و سه نفر از اعضای آن (قاسمی و فروتن و سغایی) انشعاب کردند و تحت تأثیر مائوئیسم

۱. همان: صص ۱۲۴ - ۱۲۵؛ با اندکی تصرف.

۲. همان: ص ۱۲۸؛ نقل از کتاب کردستان در سال ۶۵: ص ۲۲.

۳. همان: ص ۱۳۰؛ نقل از همان منبع: ص ۷۳.

۴. همان: صص ۱۳۱ - ۱۳۲.

گروهی را پدید آوردند که به «سازمان مارکسیست - لنینیستی توفان» معروف شد. فعالیت‌های این گروه، طی سال‌های پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، در چارچوب کنفدراسیون بود. به دلیل اختلافات گوناگون، از دل این گروه کوچک در طول سال‌های ۱۳۴۵-۱۳۶۵، «گروهک»هایی به نام‌های «حزب مارکسیستی - لنینیستی شفق سرخ»، «گروه پرولتاریا»، و «سازمان کارگران مبارز» پدید آمد.<sup>۱</sup>

شاخه‌ای از این گروه به نام «حزب کمونیست کارگران و دهقانان ایران - توفان» (حزب دو طبقه)؛ به سرمداری علی سعادت‌ی بود که در بهار ۱۳۶۰ - به تقلید از حزب کار آلبانی - گروه خود را به «حزب کار ایران» تغییر نام داد. در پی حوادث تیر ماه ۱۳۶۰ و حمایت سعادت‌ی از بنی‌صدر، این گروه دو نیمه شد؛ جناح راست و جناح چپ.

«حزب کار ایران» (جناح چپ) با اعتقاد به براندازی جمهوری اسلامی در بهار ۱۳۶۱ در فرانسه پیوستگی خود را توسط علی سعادت‌ی (خلیل) به شورای ملی مقاومت اعلام کرد. این گروه، در اسفند ۱۳۶۱، در اجتماع محدودی که به نام پلونوم دهم برگزار شد علی سعادت‌ی را به دلیل فساد سازمانی و اخلاقی اخراج کرد.

مجموع اعضای این گروه به ۳۰ نفر نمی‌رسید و اغلب افراد داخل کشور آن در اوایل سال ۱۳۶۲، دستگیر شدند. عناصر معدودی از این گروه در کردستان و اروپا به فعالیت‌های خود ادامه دادند. اداره بقایای چند نفره این گروه به عهده حمیدرضا چیتگر (حمید بهمنی) بود که تا کناره‌گیری از «شورای ملی مقاومت» در اردیبهشت ۶۴، در آن شورا حضور داشت.<sup>۲</sup>

### □ اتحادیه کمونیست‌های ایران (سربداران)

در سال ۱۳۴۸ گروهی از دانشجویان مقیم آمریکا موجودیت گروهی موسوم به «سازمان انقلابیون کمونیست» (س.ا.ک.) را اعلام کردند و نشریه‌ای به نام کمونیست را به عنوان ارگان خود منتشر ساختند. مواضع این گروه در این شعار به خوبی بارز است: «راه چین راه ماست - صدر چین صدر ماست»<sup>۳</sup> محفل

۱. تاریخ حزب کمونیست...، ج ۳: صص ۳۶-۳۷.

۲. همان: صص ۳۸-۴۰.

۳. نشریه حقیقت، ش ۹۴: ص ۴.

مشابه دیگری به نام «گروه پویا» در سال ۱۳۵۵ پدید آمد؛ با همان گرایش‌ها و تمایلات. این گروه، بقایای «گروه فلسطین» بودند که از سال‌های ۱۳۴۸-۱۳۴۹ در عراق به سر می‌بردند و رهبری آنها را حسین تاجمیر ریاحی به عهده داشت.

از ترکیب این دو گروه، «اتحادیه کمنیست‌های ایران» (ا.ک.ا.) پدید آمد، که دو - سه جمع کوچک دیگر نیز در سال ۵۸ در آن ادغام شد. جریان مزبور، طی سال‌های آخر حکومت پهلوی، در واقع یک شاخه مائوئیست کنفدراسیون در آمریکا به شمار می‌رفت.<sup>۱</sup>

پس از پیروزی انقلاب اسلامی این گروه با همان نام (ا.ک.ا.) در داخل کشور به فعالیت پرداخت و نشریه حقیقت را به عنوان ارگان خود منتشر ساخت. سردمدار آن - کماکان - حسین ریاحی بود. تا پیش از حوادث سال ۶۰، که اتحادیه مذکور خود را در یک بازی جنگ و مرگ گرفتار ساخت و با گذاشتن عنوان «سربداران» بر خود - ابلهانه - به کشتار مردم آمل پرداخته خود نیز توسط مردم مضمحل گردید<sup>۲</sup>، یک انشعاب نیز در این اتحادیه روی داد که نام «اتحادیه انقلابی برای رهایی کار» بر خود نهاد.<sup>۳</sup>

مذاکره برای پیوستن اتحادیه به «شورای ملی مقاومت» در آغاز با شکست روبه‌رو شد؛ چراکه

---

۱. در این باره ← جلد نخست کتاب حاضر، گفتار دوم، فصل چهارم.  
۲. به دنبال اعلام مبارزه مسلحانه مخالفان جمهوری اسلامی، حادثه آمل در بهمن ماه ۱۳۶۰ به وقوع پیوست. اجمال حادثه چنین بود که «اتحادیه کمنیست‌های ایران»، با ارزیابی موقعیت جغرافیایی، جنگل‌های آمل را برای اختفا و عملیات چریکی مناسب تشخیص داد و نیروهای خود را در آنجا مستقر کرد. گمان اتحادیه این بود که به خاطر وضعیت اجتماعی منطقه آمل و بافت دهقانی جمعیت اطراف آن، در صورت حمله به شهر، مقاومت پراکنده نیروهای انقلاب اسلامی به سرعت سرکوب می‌شود و در مرحله دوم، پس از قطع خطوط ارتباطی و تقویت نیروهای مخالف داخل شهر، دیگر مناطق مازندران نیز به تصرف نیروهای اتحادیه در می‌آید و آن‌گاه آحاد مردم - در یک زنجیره متشکل - در سراسر ایران به پا می‌خیزند و رژیم جمهوری اسلامی را ساقط می‌کنند.  
آنها به دو گروه تقسیم شدند و حمله خود را غافلگیرانه در شب ششم بهمن ۱۳۶۰ آغاز کردند. گروه اول وارد شهر شده به گشت زنی پرداختند و هر کس را که به اصطلاح حزب‌اللهی و پاسدار تشخیص می‌دادند، ترور کردند و سپس به کمیته انقلاب اسلامی شهر حمله نمودند. مردم آمل، که با صدای تیراندازی به خیابان‌ها آمده متوجه وقایع شده بودند، برای مقابله آماده شدند و حرکت حماسی خود را آغاز کردند. مردم به صورت خودجوش و با کمک نیروهای انتظامی سریعاً به مقابله برخاستند و غائله در چند ساعت فرونشست. در این واقعه ۳۴ نفر از تروریست‌های کمنیست کشته، چندین زخمی و ۳۰ نفر نیز دستگیر شدند - که چند تن از آنها بعداً محاکمه و اعدام گشتند - از مردم آمل نیز ۴۰ نفر که عمدتاً غیرنظامی و غیرمسلح بودند، به شهادت رسیدند. (مطبوعات ۷ و ۶۰/۱۱/۸)

۳. نشریه حقیقت، ش ۲۵: صص ۳-۴؛ ذیل عنوان «تعادل ناپایدار».



مجاهدین خلق اصرار داشتند که عملیات اتحادیه در آمل، تحت نام «شورای ملی مقاومت» انجام شود. پس از شکست غائله خونین آمل، از سوی بقایای اتحادیه، حمید درم‌بخش تهرانی در تیر ماه ۱۳۶۱ تقاضای عضویت در «شورای ملی مقاومت» را - بدون قید و شرط - مطرح کرد. و بدین ترتیب گروهی از هم پاشیده به «شورای ملی مقاومت» پیوست که عملاً حضوری سمبلیک داشت و محلی از اعراب به شمار نمی‌رفت. در طول حدود یک سال و نیم، در اطلاعیه‌های رسمی شورا، از اتحادیه (سربداران) به عنوان یکی از اعضای تشکیل دهنده ش.م.م. نام برده می‌شد؛<sup>۱</sup> و در اوایل تابستان ۱۳۶۲، خروج اتحادیه از شورا - رسماً - اعلام گردید.

### □ شورای متحد چپ

پایه این گروه را مهدی خانابا تهرانی گذاشت. وی، انشعابی رادیکال را در کنفدراسیون شکل داد و تا پیش از پیروزی انقلاب اسلامی، از چریک‌های فدایی حمایت می‌کرد. خانابا تهرانی پس از تأسیس جمهوری اسلامی، در تشکیل «جبههٔ دموکراتیک ملی» به همکاری با متین دفتری و شکرالله پاک‌نژاد برخاست؛<sup>۲</sup> ولی در آغاز پیروزی انقلاب، ائتلافی محدودتر را نیز موجب شد. سه گروه خارج از کشور به نام‌های «گروه کارگر»، «سازمان وحدت کمونیستی» و «گروه چپ» که از دوران فعالیت‌های دانشجویی با هم آشنایی داشتند، در بدو پیروزی انقلاب، به توافق رسیدند که گروه مشترکی تشکیل دهند:

... در جریان گفت و گوهای این سه گروه، تعدادی [از] روشنفکران داخل کشور و برخی از اعضای کانون نویسندگان هم به آن پیوستند. سرانجام این گفت و گوها به انتشار «بیان نامهٔ اتحاد چپ» و انتشار نشریهٔ «سازمان اتحاد چپ» کشید.<sup>۳</sup>

با گذشت زمان و بروز اختلافات، این ائتلاف نیز دچار انشعاب شد. عده‌ای که از «دیکتاتوری پرولتاریا» و «تضاد میان کار و سرمایه» و «ضرورت سازمان لنینی» حرف می‌زدند، جدا شدند و جریانی موسوم به «جنبش مستقل کارگری» - با نشریه‌ای به همین عنوان - پدید آوردند.<sup>۴</sup> و جمعی نیز با عنوان

۱. متن اطلاعیه‌ها، موجود در آرشیو مؤسسه مطالعات و پژوهشهای سیاسی.

۲. در این خصوص ← شوکت، نگاهی از درون...، ج ۲: ذیل اعلام مذکور و صفحات مربوط.

۳. همان: ص ۴۸۶.

۴. همان: ص ۴۸۷.

سازمان وحدت کمونیستی با طرح «ضرورت حفظ استقلال سازمانی» کناره‌گیری کردند.<sup>۱</sup> طی نشست‌های در بهمن ماه ۱۳۵۹، مجدداً جمعی از گروه‌های کوچک رادیکال کمونیست گرد آمدند و سرانجام در اردیبهشت ماه ۱۳۶۰، بیانیه‌ای زیر عنوان «بیانیه شورای متحد چپ برای دموکراسی و استقلال» تنظیم کردند.

بقیای این جریان بعد از مقابله مسلحانه سازمان و تشکیل شورای ملی مقاومت، اولین جمعی بود که از این موضوع استقبال کرد و مشتاقانه به هژمونی سازمان در قالب شورا تن داد: در جریان تنظیم بیانیه شورای متحد چپ، با حزب دموکرات کردستان و کومله و نیز مجاهدین خلق هم در تماس و گفت و گو بودیم. با بالا گرفتن تضاد میان آخوندها با بنی‌صدر و مجاهدین، و خروج آنها از کشور و تشکیل شورای ملی مقاومت، به شورا پیوستیم... شورای متحد چپ نخستین سازمان چپ بود که از این حرکت ائتلافی نیروها، برای برقراری دموکراسی و استقلال ایران، استقبال نموده و آن را پذیرفت.<sup>۲</sup> پس از اعلام پیوستگی شورای متحد چپ، مهدی‌خانابا تهرانی تا فروردین ۶۴ که خروج خود و گروه را از شورا اعلام نمود، در آن عضویت داشت.

#### □ سایر گروه‌های عضو شورا

خانابا تهرانی در مورد سایر گروه‌های کوچکی که در فهرست اعضای شورای مقاومت قرار داشتند می‌گوید:

... سازمان اقامه... در دوره ریاست جمهوری بنی‌صدر به کمک سازمان مجاهدین... تشکیل شد... بقیای این سازمان نام خود را به «جمعیت دفاع از دموکراسی و استقلال ایران (داد)» تغییر دادند... این گروه از روز نخست در حقیقت جریانی سوای سازمان مجاهدین نبود، المثنای آن بود...

سازمان اتحاد برای آزادی کار یک گروه کمونیستی مستقل بود... نماینده آن گروه در شورا دکتر مرتضی محیط بود و چون به دلایل فنی و جغرافیایی نمی‌توانست در جلسات شورا حضور یابد، حقوق نمایندگی خود را به من واگذار کرده بود.

۱. همان: همان صفحه.

۲. همان: ص ۵۰۵.

تشکیلات جنبش گیلان و مازندران [= جنبش دمکراتیک انقلابی زحمتکشان] در واقع سازمان محلی ای بود در منطقه طوالش... تشکیلات محلی سازمان اتحاد چپ بود. آنها به علت ویژگی‌های منطقه این نام را برای خود برگزیده بودند تا نامی از کلمه «چپ» در میان نباشد. حسن ماسالی این گروه رانماینده می‌کرد. او پس از شرکت در یکی دو جلسه چون می‌بایستی به سفر می‌رفت نمایندگی خود را به من تفویض کرد... از کانون توحیدی اصناف در ابتدا شناخت درستی نداشتم و تصور می‌کردم نمایندگان بازار هستند. بعدها متوجه شدم که این کانون نیز یکی از سازمان‌های کوچک وابسته و جنبی مجاهدین است. سازمان استادان متعهد دانشگاه‌های ایران که در شورا تنها یک نماینده داشت، و در واقع سازمانی در کار نبود... این جریان هم از سازمان‌های تابعه مجاهدین بود. سازمان چریک‌های فدایی خلق (پیرو برنامه هویت) که در اواخر عضویت ما در شورا به وجود آمد، نمایندگی آن را مهدی سامع برعهده داشت. سامع شش هفت ماه پیش از آنکه اعلام سازمان کند به عنوان فرد به عضویت شورا درآمد و ناگهان اعلام کرد به سازمان تبدیل شده است.<sup>۱</sup>

گروه متبوع ماسالی (جنبش دمکراتیک - انقلابی زحمتکشان) در خرداد ۶۲ از شورا خارج شد و مدتی بعد نیز نام سازمان اتحاد برای آزادی کار، از فهرست اعضای شورا حذف گردید و نهایتاً با خروج سایر گروه‌های ناوابسته به سازمان، در اواخر سال ۶۴ شورا فقط ترکیبی از «سازمان» و پنج تشکیلات روی کاغذ وابسته به خودش بود. پس از خروج متین دفتری که به نام جبهه دمکراتیک ملی عضو بود، از سال ۷۷ تنها گروه باقی مانده عضو شورا، سازمان چند نفره چریک‌های فدایی پیرو برنامه هویت باقی مانده است و در واقع از «شورا» چیزی بیش از یک اسم بی‌مسما وجود ندارد. هر چند از ابتدا ماهیتاً همین‌گونه بود، ولی همان صورت ظاهری اولیه نیز کاملاً از بین رفته است.